

سازمانده کمونیست

نشریه کمیته تشکیلات کشور

۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۵

۱۹

جمعه ها منتشر میشود

منصور حکمت و افکارش را به مردم معرفی کنیم!

فراخوان به مناسبت هفته منصور حکمت

خالد حاج محمدی

این کار در یک هفته ممکن نیست و همیشه باید این کار را کرد. اما هفته منصور حکمت این امکان را میدهد کمونیستها در ابعاد وسیع و هماهنگ و متمرکز دست به چنین کاری بزنند. بی شک هر مارکسیست جدی و هر آدم انساندوستی که بخواهد گوشه ای از حقایق و تلاشهای انسان معاصر را برای رهایی بیان کند، نیک میداند که لازم و ضروری است که از رگه فکری متفاوتی صحبت کند که مارکس و مارکسیسم را در دوره خود نمایندگی کرد و در همین ابعاد ظاهر شد و نقش ایفا کرد.

حکمت شناساندن این انسان بزرگ و متفکر و رهبر مارکسیسم معاصر به مردم در ابعاد اجتماعی است. مارکس را امروز همه میشناسند و از هر کس بپرسید در موردش چهار کلمه را تحویل خواهد داد. باید کاری کرد که در همین ابعاد نیز منصور حکمت را بشناسند. باید تلاش کرد مردم در ابعاد وسیع او را بشناسند، با او آشنا باشند، افکار و عقاید و نظراتش و نقشی که در سه دهه سیاست در ایران و در جهان داشته است را بدانند. هدف از هفته منصور حکمت همین است. بدون تردید

این کار، رفقای زیادی نوشته اند و گفته اند. در دو سال گذشته، هم در ایران و هم در کشورهای مختلف اقدامات معینی در گرامیداشت این انسان بزرگ از جانب دوستدارانش از حزب حکمتیست تا جریانات و انسانهای مختلفی صورت گرفت. اینجا من هم میخواهم به همین مناسبت رو به فعالین حزب در ایران و کل کمونیستها و دوستداران منصور حکمت در مورد اقداماتی که میتوان به این مناسبت پیش برد نکاتی را طرح کنم. گفتم هدف از هفته منصور

از ۱۵ خرداد که روز تولد منصور حکمت است تا ۲۲ خرداد به مدت یک هفته (۴ تا ۱۱ ژوئن) هفته منصور حکمت است. سه سال قبل دفتر سیاسی وقت حزب کمونیست کارگری ایران این هفته را به عنوان هفته منصور حکمت اعلام کرد. هدف از اعلام این هفته شناساندن منصور حکمت در ابعاد اجتماعی بود. در این خصوص تا کنون و در مورد اهمیت

تقویت و پیشروی مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر در گرو چیست؟

محمود قزوینی

برخی از فعالین سیاسی کمونیست این را طرح میکنند که برای پیشروی و تقویت جنبش کارگری باید جنبش کارگری سیاسی شود، رهبران کارگری به مسائل جامعه بیندیشند. میگویند چرا کارگران شعارهای سرنگونی طلبانه نمیدهند؟ چرا نمیایند

رژیم را سرنگون کنند و فراخوان میدهند که کارگران بیایند و کار را تمام کنند. میگویند چرا کارگران در مسائل سیاسی جامعه دخالت نمیکند؟ چرا زمانی که دانشجویان در باره آزادی بیان میرزمند، آنها آن را مورد پشتیبانی قرار نمیدهند؟ و..... برای سیاسی شدن مبارزه طبقه

کارگر چه باید کرد؟ آیا حزب باید طبقه کارگر را فراخواند که به حرکت سرنگونی رژیم بپیوندد؟ آیا با این فراخوان و تبلیغات میتوان طبقه کارگر را به عرصه سیاسی کشاند؟ اولین چیزی که در پی این سوالات جلب نظر میکند این است که مبارزه اقتصادی طبقه

کارگر در ایران سیاسی تلقی نمیشود؟ و دوم اینکه اهمیت مبارزه اقتصادی طبقه کارگر برای تقویت و پیشروی طبقه کارگر نادیده گرفته میشود و یا به آن کم اهمیت داده میشود. مبارزه اقتصادی یعنی طبقه کارگر و طبقه کارگر یعنی مبارزه اقتصادی. بقیه در صفحه ۳

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

نه تنها این بلکه هر ژورنالیست با وجدانی که بخواهد به سه دهه تحولات در ایران و جهان نگاه کند نمیتواند از نقشی که این انسان داشته است و نقد متفاوتی که داشته و نظرات مهم و قابل توجه او به مهترین مسائل دنیا بی توجه باشد.

همچنانکه بارها گفته ایم این هفته تنها متعلق به حکمتیستها نیست، هفته منصور حکمت متعلق به همه سوسیالیستها، همه دوستان و دوستان و همه انسانهایی است که به منصور حکمت علاقه داشتند و جایگاه والايش را ارج میگذاشتند. باید تلاش کرد با ابتکارات مختلف در شهر و محله، در کارخانه و دانشگاه و مدرسه، در اداره و بیمارستان و هر جا که ممکن است برای معرفی منصور حکمت و شناساندن او تلاش کرد. دوست دارم همین جا تکه ای از سخنان کورش مدرسی را به همین مناسبت که دو سال قبل نوشته است بیاورم:

اگر جمهوری اسلامی نبود هفته منصور حکمت، هفته سمینارهای تئوریک، هفته جلسات سیاسی، نمایشگاههای کتاب، هفته انواع مختلف فعالیت های فکری و فرهنگی در ابعاد جامعه ایران بود. فعالیت هایی که نه تنها جایگاه منصور حکمت را در تفکر معاصر باز میکرد و امکان میداد تا در ابعاد وسیع انسانهای دیگر بتوانند این رگه فکری را بشناسند و به آن پیوندند بلکه هفته متمرکزی از فعالیت فکری، هنری و فرهنگی حول مسائل جدید و قدیم جامعه

را بوجود می آورد. امکانی را فراهم می آورد که مارکسیست های ما بتوانند حول این خط و سنت فکری به مسائل جدیدی که در مقابل آنهاست به پردازند.

کورش مدرسی به درست به مانع جمهوری اسلامی در راه گرامیداشت این انسان عزیز اشاره دارد. باید تلاش کرد این ممانعت و محدودیتهایی که ایجاد کرده است را با ابتکارات مختلف کاست.

اقدامات زیادی را برای معرفی منصور حکمت میتوان پیش برد. این دیگر به میزان تلاش و خلاقیتهای هر سازمان، نهاد، جمع و هر انسانی است که میخواهد در این زمینه و در این هفته کاری کند.

میتوان نوشته ای از حکمت را چاپ و پخش کرد، میتوان مجموعه ای از سخنرانیهای او را در سی دی یا دی وی سی دی و یا کاستهای معمولی ضبط کرد و آن را بدست مردم رساند. میتوان متون کتبی او را در سی دی آورد و تکثیر و پخش کرد. هم اکنون در خود ایران با توجه به فیلتر شدن سایتها از جانب جمهوری اسلامی سایت منصور حکمت بر روی سی دی ضبط شده و دست دوستان او را پخش میکنند. میتوان جمعیهای را تشکیل داد و در این هفته به بازخوانی منصور حکمت و معرفی یکی از آثارش پرداخت. میتوان بر مبنای علائق به کارهای او در عرصه های مختلف سمینار و تجمع مختلف را در هر جا و با در نظر گرفتن همه فاکتورها تشکیل

داد و با استفاده از نظرات و نوشته ها و دیدگاههای منصور حکمت به نقد جامعه در عرصه های مختلف از حقوق کودکان، زنان، جایگاه انسان، حکم اعدام، آزادی بیان، اسلام و نقش مذهب، ملت و ناسیونالیسم، جنگ و دهها مسئله دیگر پرداخت. منظوم این است کسی یا نهادی که مدافع نظرات او در زمینه حقوق کودک است خوب لایب در این زمینه سمینار خواهد گذاشت و کسی که مخالف حکم اعدام است در محکومیت حکم اعدام و ...

میتوان فعالیتهای دیگر، و مناسبتهای دیگر از ورزشی، کوهنوردی، موسیقی، ادبی، هنری و... تشکیل داد و در این مناسبتهای اقداماتی را برای شناساندن منصور حکمت پیش برد. میتوان تکه های شیرین و مشهور سخنان او را که معرف افکار عمیق انسانی حکمت و مارکسیسم متمایز اوست را نوشت و برجسته کرد و به اشکال مختلف در دید مردم قرار داد. میتوان در هر جا که محل تجمع مردم است در این هفته برای معرفی او کاری کرد. میتوان پوستر منصور حکمت را چاپ و پخش کرد و بر در و دیوار محلات و شهرها زد. میتوان مباحثات جدی او در زمینه های مختلف را از شکل کارگری تا کارگران و انقلاب را در کارخانه به دست کارگران رساند. میتوان برای چاپ آثارش کمک مالی کرد و کمک مالی جمع کرد. میتوان در موردش و برای معرفی حکمت نوشت. باید کاری کرد که مردم

تشویق شوند و سراغ آثارش بروند و بخوانند و گوش کنند و با این متفکر بزرگ، با این انسان مهم، با این رهبر انقلابی و مارکسیسم بزرگ تاریخ معاصر آشنا شوند. هفته منصور حکمت امکانی است که همگی ما هماهنگ در این رابطه و با ابتکارات مختلف توجه مردم را در ابعاد میلیونی به منصور حکمت جلب کنیم.

معرفی منصور حکمت وظیفه ماست! این کوچکترین کاری است که در حق او باید کرد. حکمت را باید معرفی کرد تا بشریت با رگه ای فکری که رهایی بخش است، که عمیقاً انسانی است، که آموزنده و راهگشا است آشنا شوند. این کار را نه تنها به خاطر منصور حکمت، بلکه بخاطر دفاع از شرافت و کرامت انسان و برای احترام به بشریت که در دنیای نابرابر امروز حقوق و ارزشی ندارد، باید این کار را کرد. برای نجات انسان و دفاع از انسان باید افکار حکمت را به میان مردم برد و توده گیر کرد. به خاطر خودمان و دفاع از شرافت و کرامت انسانیمان، بخاطر کودکانمان و دریغ نکردن گنجینه ای از مباحثات مهم و راهگشا و امید بخش و عمیقاً انسانی از آنها باید این کار را کرد. به همین دلایل این وظیفه همگی ماست، همگی ما سوسیالیستها، همگی مایی که به اهمیت نقش این انسان و کمونیسم او در زنداگی انسان معاصر واقفیم. حکمت و افکارش را نباید از بشریت دریغ کرد. حکمت را باید خواند، باید درک کرد و باید فهمید و بکار بست.

متحد شوید! به حکمتیست ها پیوندید! با ما تماس بگیرید!

این جزء تعریف و از خصوصیات وجودی طبقه کارگر است. همانطور که ماهی نمیتواند شنا نکند، کارگر نمیتواند مبارزه اقتصادی نکند. کارگر مخیر نیست که مبارزه اقتصادی بکند یا خیر یا به این مبارزه شدت بدهد یا خیر. کارگر نه فقط برای بهبود اوضاع خود بلکه برای جلوگیری از تنزل سطح موجود زندگی خود، برای حفظ حرمت انسانی خود، در جامعه سرمایه‌داری ناگزیر و دائماً باید دست به مبارزه برای بهبودهای اقتصادی و اجتماعی بزند. بنابراین طبقه کارگر قرار نیست در قبال مبارزه اقتصادی موضع خاصی بگیرد.

در ایران تحت شرایط جمهوری اسلامی مبارزه اقتصادی طبقه کارگر، ماهیتاً سیاسی است. مبارزه اقتصادی طبقه کارگر در ایران به مبارزه ای بر سر سرنوشت این حکومت مربوط میشود. حرکت اعتصابی طبقه کارگر برای مطالبات صنفی خود و حتی دفاعی ترین حالت آن مانند مبارزه برای پرداخت دستمزدهای معوقه با مبارزه برای سرنگونی حکومت گره خورده است. کافی است بخشهایی اساسی طبقه کارگر مانند نفت و برق و... مبارزه خود را برای مطالبات رفاهی خود به طور آشکار و در شکل اعتصابی شروع کنند. با اعتصاب نفت و برق... بر سر مطالبات اقتصادی شمارش معکوس برای سرنگونی حکومت آغاز میشود.

فعالیت فعالین کمونیست جنبش کارگری و به طریق اولاً فعالیت حزب حکمتیست باید اساساً بر روی گسترش همین جنبش اقتصادی طبقه کارگر متمرکز شود و نباید زیاد نگران این باشیم که چرا کارگران شعارهای سیاسی و سرنگونی طلبانه نمیدهند. اساس حرکت ما باید بر روی گسترش جنبش اعتصابی متمرکز شود. جنبش اعتصابی برای مطالبات روزمره طبقه کارگر، از وصول دستمزدهای پرداخت

نشده تا قانون کار و تشکل و... جنبش کارگری برای قدرتمند شدن باید مراحل مختلفی را طی کند که بسیاری از فاکتورها امروز خارج از اراده ما صورت میگیرد. ما میتوانیم به طی شدن سریعتر و عمیق تر این مراحل یاری برسانیم.

برای تقویت جنبش کارگری و پیشروی آن باید به جنبش تشکل یابی طبقه کارگر که در سالهای اخیر گسترش یافته است و دارد شکل میگیرد را دامن زد. باید ظرفیتهایی برای ارتباط علنی تر و دائمی تر رهبران عملی جنبش طبقه کارگر فراهم کرد. باید تلاش نمود تا رهبران عملی طبقه کارگر هر چه شناخته شده تر و با چهره تر در جامعه ظاهر شوند. در سالهای اخیر تعداد زیادی از رهبران کارگری به طبقه کارگر و جامعه معرفی شده اند. اسانلو امروز یکی از رهبران مشهور جنبش کارگری است که از بسیاری از رهبران جنبش های دیگر در جامعه ایران و جهان شناخته شده تر است. باید جنبش کارگری دهها و صدها اسانلو به طبقه کارگر و جامعه معرفی کند.

برای تقویت جنبش کارگری باید به تقویت گرایش رادیکال-سوسیالیست در میان طبقه کارگر پرداخت. برای اتحاد وسیع طبقه کارگر، برای دخالت طبقه کارگر در عرصه های مختلف سیاسی، برای فراهم آوردن زمینه های پشتیبانی بخشهای مختلف طبقه از مبارزات یکدیگر، باید این صف تقویت شود و به حزب حکمتیست نزدیک شود و یا با آن یکی شود.

باید رهبری مبارزه اقتصادی و مطالباتی طبقه کارگر در دست این گرایش قرار گیرد.

نباید ذهنیت یک فعال سیاسی را به جنبش کارگری تحمیل کرد. نباید حتماً کارگران بیایند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر دهند. حرکت

اعتصابی طبقه کارگر برای مطالباتش هم نابودی جمهوری اسلامی را در خود دارد. برای تقویت جنبش کارگری، نباید تلاش نمایشی برای سیاسی کردن طبقه کارگر کرد، بلکه باید به تقویت مبارزه اقتصادی طبقه کارگر پرداخت. باید به تشکل یابی طبقه کارگر در مبارزه اقتصادیش پرداخت، باید به تقویت رهبران جنبش کارگری پرداخت.

سوالاتی که ممکن است در مقابل فعالین کمونیست قرار گیرد این است که آیا این تکیه بر مبارزه اقتصادی، محدود کردن جنبش کارگری در چهارچوب اقتصادی که سندیکالیست ها هدفشان است، نیست؟ باید گفت نه. در ایران سندیکالیسم نمیتواند در شرایط جمهوری اسلامی جا پای زیادی باز کند. مبارزه اقتصادی طبقه کارگر در ایران سیاسی است و با باز شدن فضا، علناً به عرصه سیاست وارد میشود. برای همین سندیکالیسم نه امروز و نه فردا میتواند جاپایی در جنبش کارگری باز کند. هر نوع تشکل یابی مستقل طبقه کارگر، کارگران را متحداً نه فقط در مقابل کارفرما، بلکه در مقابل رژیم قرار میدهد. شکل گیری سندیکای شرکت واحد، یک نمونه برجسته آن میباشد. مجرای دیگر تقویت جنبش کارگری، تقویت سازمان حزبی آن است. هر چقدر حزب کمونیست کارگری حکمتیست در جامعه و بالطبع در میان طبقه تقویت شود، مستقیماً طبقه کارگر در مبارزات اقتصادی و سیاسی اش تقویت میشود. تقویت حزب در جنبش دانشجویی، در میان جوانان و در میان جنبش زنان، به جنبش امروز و فردای طبقه کارگر یاری میرساند. هر چقدر فعالین جنبش دانشجویی و جوانان ما تلاش کنند تا نفوذ حزب و کمونیسم را که در اکثر موارد به نفوذ شخصی آنها در محیط ترجمه میشود را در میان

دانشجویان و جوانان بالا ببرند، جنبش کارگری را بطور کلی هم تقویت کرده اند. تقویت کمونیسم در جامعه، تقویت کارگر در جامعه است. بسیار عالی است که فعالین دانشجویی در حرکت های کارگری دخالت میکنند و آنها را مورد پشتیبانی قرار میدهند، اما فعالین کمونیست دانشجویی تقویت جنبش کارگری را بیشتر از هر چیز باید در تقویت و حاکم کردن رهبری کمونیستی بر جنبش دانشجویی ببینند.

برای تقویت جنبش کارگری در شرایط امروز ایران، باید اساساً جنبش کارگری را بر اساس مبارزه اقتصادی آن تقویت کرد. نفوذ حزب را میان رهبران عملی مبارزات جاری افزایش داد و تلاش نمود تا رهبری رادیکال سوسیالیست و کمونیستی در این مبارزات دست بالا را پیدا کند. تازاندن جنبش کارگری برای سیاسی کردن آن به معنای اخص کلمه ممکن نیست. ادامه دارد

بهرام مدرسی (بیر) :

اسد گلچینی:

مظفر محمدی:

محمود قزوینی:

خالد حاج محمدی:

کمیته تشکیلات کل کشور

bahram-modarresi@freenet.de

asad.golchimi@ukonline.co.uk

mozafar_mohammadi@yahoo.com

mahmood@iran-tribune.com

khaledhajji@yahoo.com